

Dimensions of Nature and Behavior Predicting Delinquency in Children and Adolescents

Received: 03, November, 2022

Accepted: 15, December, 2022

Article type: Research Article

PP: 91-116

DOI:

[10.22034/entezam.2023.1272874.2490](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272874.2490)

Moslem Ghobadian

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email:

mghobadiyan@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Adolescence is a critical developmental period that, given the amount and severity of associated changes (e.g., biological and psychological), may automatically set the stage for an individual's delinquency. This research was carried out with the aim of investigating the role of the dimensions of nature and behavior in predicting delinquency in children and adolescents.

Method: This research is a survey and correlation study. The research samples include 400 male high school students in Khorram Abad city, who were randomly selected in a multi-stage manner. Cloninger's (1994) Personality Dimensions Questionnaire, and the Juvenile and Youth Delinquency Questionnaire (2015) were used to collect data. In order to analyze the data, Pearson correlation and Multiple Regression were used. Data were analyzed using SPSS software version 26.

Findings: The results of the correlation coefficient showed that there is a relationship between the dimensions of nature and behavior with juvenile delinquency ($P \geq 0.001$). According to the results of regression analysis, novelty, harm avoidance and self-improvement were significantly predictors of students' positive attitude towards delinquency ($P \geq 0.05$).

Results: Personality characteristics can be considered as a risk factor for teenagers' tendency to delinquency. The necessity of further studies in order to investigate the action of personality, family, social and cultural factors in the emergence of delinquent behaviors was discussed for the systematic etiology of delinquency in order to design effective preventive and therapeutic interventions.

Keywords: Nature, Behavior, Delinquency, Teenagers, Prevention.

ابعاد سرشت و منش پیش‌بینی‌کننده بزهکاری در کودکان و نوجوانان

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانی یک دوره رشد حیاتی است که با در نظر گرفتن کمیت و شدت تغییرات مرتبط (به‌عنوان مثال، بیولوژیکی و روان‌شناختی) ممکن است به‌خودی‌خود زمینه را برای بزهکاری فرد ایجاد کند. این پژوهش با هدف بررسی نقش ابعاد سرشت و منش پیش‌بینی‌کننده بزهکاری در کودکان و نوجوانان انجام شد.

روش‌شناسی: این پژوهش، مطالعه‌ای پیمایشی و از نوع همبستگی است. نمونه‌های پژوهش شامل 400 نفر از دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان خرم‌آباد هستند که به‌صورت تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه ابعاد سرشت و منش کلونینجر (1994)، پرسش‌نامه بزهکاری نوجوانان و جوانان سهامی و همکاران (1395) استفاده شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نسخه 26 نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین ابعاد سرشت و منش با بزهکاری نوجوانان رابطه وجود دارد ($P \leq 0/001$). بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، نوجویی، آسیب‌پذیری و خودفراروی به‌طور معناداری پیش‌بینی‌کننده نگرش مثبت به بزهکاری دانش‌آموزان بودند ($P \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان یک عامل خطر برای گرایش نوجوانان به بزهکاری می‌تواند محسوب شوند. لزوم مطالعات بیشتر در راستای بررسی کنش عوامل شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در بروز رفتارهای بزهکارانه جهت سبب‌شناسی نظام‌مند بزهکاری برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و درمانی کارآمد مورد بحث قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: سرشت، منش، بزهکاری، نوجوانان، پیشگیری.

دریافت: 1401/08/12

پذیرش: 1401/09/24

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 91-116

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/entezam.2023.1272874.2490](https://doi.org/10.22034/entezam.2023.1272874.2490)

مسلم قبادیان

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه

فرهنگیان، تهران، ایران

mghobadiyan@yahoo.com

نوجوانی دوره رشدی بین کودکی و بزرگسالی است که با تغییرات گسترده جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه است و به دلیل همین تغییرات گسترده می‌تواند برای نوجوانان مشکلات فردی و اجتماعی به وجود آورد. اختلالات روانی، وابستگی‌های دارویی، رفتارهای پرخطر، بزهکاری، خشونت، نزاع خیابانی، قلدری، خودزنی و اقدام به خودکشی به‌ویژه در نسل جوان روندی صعودی پیدا کرده است.

یکی از مسائل ناراحت‌کننده جوامع امروزی، موضوع نوجوانان و جوانان بزهکار است. عوامل مختلفی را در بروز رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی مطرح کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به مشکلات مربوط به مدرسه و ترک تحصیل، خانواده و ضعف حمایت والدین از جوانان و ویژگی‌های شخصیتی از جمله سرشت و منش اشاره کرد. متغیرهای زیادی در گرایش به بزهکاری^۱ نوجوانان نقش دارند که در این پژوهش، سرشت^۲ و منش^۳ مورد توجه قرار گرفته است. «سرشت» اساس وراثتی هیجانات و یادگیری‌هایی است که از طریق رفتارهای هیجانی و خودکار کسب می‌شود و به‌عنوان عادات قابل مشاهده در اوایل زندگی فرد دیده می‌شود و تقریباً در تمام طول زندگی ثابت باقی می‌ماند. «منش» شامل دریافت‌های منطقی درباره خود، دیگران و جهان است و به‌طور عمده به عملکردهای بین‌فردی و تفاوت‌های فردی در روابط موضوعی خود اشاره دارد که به‌صورت نتیجه‌ای از تعاملات غیرخطی میان خلق و خو، محیط خانوادگی و تجارب فردی تحول می‌یابد.

در مجموع به دلیل برهم‌کنش و هم‌افزایی انواع مسائل اجتماعی در عرصه‌های واقعی حیات اجتماعی و روابط پیدا و پنهان این مسائل با یکدیگر و نقشی که متراکم و تلبار شدن آن‌ها در گسترش و وخیم‌شدن آثار و پیامدهایشان برای جامعه دارد، بررسی و شناخت آسیب‌های اجتماعی و

1-delinquency
2- temperament
3- character

به‌خصوص بزهکاری در نوجوانان و جوانان با توجه به بُعد فرهنگی و قومیتی استان لرستان (لک و لر) متناسب با زیست‌بوم جدید زندگی یا سبک زندگی دوره کرونا ضروری است. استان لرستان به‌عنوان یکی از استان‌های محروم و غیربرخوردار کشور و مهاجرپرست‌ترین استان کشور با مشکلاتی دست‌به‌گریبان است. در استان لرستان همچون سایر نقاط کشور، سازمان‌های متعددی در حوزه‌های مختلف اجتماعی فعالیت می‌کند و بخشی از منابع و بودجه‌های آن‌ها صرف مقابله با مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ ولی مشکلات فرهنگی زیادی در بین مردم این استان و نوجوانان آن وجود دارد. برخی از سازمان‌های متولی پیشگیری از آسیب‌ها اجتماعی، تمامی توجه خود را بر تعداد معدودی از آسیب‌ها متمرکز کرده و احتمالاً شناخت مناسبی از آسیب‌ها و مسائل اصلی استان ندارند. فراوانی، تعداد، تنوع و گستردگی مسائل اجتماعی در استان و فقدان اجماع مدیران و متخصصان بر روی مسائل اجتماعی، بزهکاری جمعیت دانش‌آموزی که یک‌ششم (1/6) از جمعیت استان است و همچنین اولویت‌بندی بررسی مسائل اجتماعی و تدوین برنامه‌های پیشگیرانه با توجه به عوامل خطر نوجوانان این استان، ضرورت انجام چنین تحقیقی را آشکار می‌سازد؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بزهکاری در کودکان و نوجوانان بر اساس ابعاد سرشت و منش قابلیت پیش‌بینی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

مورای و همکاران¹ (2021) پژوهشی با عنوان «ارزیابی نظریه‌های سیستم دوگانه بزهکاری نوجوانان در مطالعه هم‌گروهی طولی هنجاری جوانان» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با بزهکاری در زنان، هیچ مدرکی که بتوان بر اساس مسیرهای فرضی در نظریه سیستم‌های دوگانه توصیف کرد، وجود نداشت. نتایج این مطالعه از این ادعا حمایت می‌کند که عدم تعادل رشدی ممکن است موجب افزایش بزهکاری در نوجوانان شود؛ با این حال، این

1- Murray & et al

فقط برای زیرگروه کوچکی از افراد، به‌ویژه مردان، صدق می‌کند.

جونز و پیرس^۱ (2021) پژوهشی با عنوان «مواجهه اولیه با تجربیات نامطلوب دوران کودکی و رفتار بزهکارانه جوانان در خانواده‌های شکننده» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های فردی کودکانی که در خانواده‌های بزهکار و شکننده بزرگ می‌شوند با رفتار بزهکاری آن‌ها در بزرگسالی ارتباط دارد. کودکان خانواده‌های بزهکار در آینده به سمت انجام کارهای که از نظر جامعه جرم تلقی می‌شود پیش می‌روند.

کینگ و گواگ^۲ (2019) در مطالعه‌ای با عنوان «ابعاد سرشت و منش مرتبط با مشکلات درونی‌سازی و بیرونی در کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی» به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که هم مشکل درونی‌سازی و هم مشکل بیرونی‌سازی داشتند، علائم ADHD شدیدتر و به‌طور قابل‌توجهی نوجویی، آسیب‌پرهیزی، و خودفراری و همچنین خودراهبری و همکاری کمتری نسبت به افرادی داشتند که مشکلات همبودی نداشتند. آسیب‌پرهیزی با سطح مشکلات درونی‌سازی بدون توجه به شدت علائم ADHD مرتبط بود. علاوه بر این، نوجویی و جنسیت (مرد) با سطح مشکلات بیرونی‌سازی همراه بود.

مارتینز - لوپز و همکاران^۳ (2019) در پژوهشی با عنوان «زیرشاخه‌های اختلال روان‌پریشی بر اساس تفاوت‌های خلقی و شخصیتی» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که زیرشاخه‌های اختلال شخصیت سایکوپات (جامعه‌ستیز) بر اساس تفاوت‌های سرشت و منش وابستگی پاداش و خودراهبری، افراد سایکوپات با ویژگی‌های شخصیتی خودشیفتگی غالب را متمایز می‌کند، درحالی‌که نوجویی و خودفراری مشخصه افرادی با ویژگی‌های شخصیتی ضداجتماعی است. افراد مبتلا به نشانگان خودشیفته سایکوپاتیک را می‌توان با خلق و خو و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها شناسایی کرد.

1- Jones, & Pierce

2- Kang, & Kwack

3- Martínez-López

کریستینی، کارزیتو، پاسچتو، برامبیللا و فابرو¹ (2018) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر ابعاد سرشت و منش بر بهزیستی و مشکلات هیجانی - رفتاری نوجوانان» به این نتیجه دست یافتند که بلوغ شخصیت، و به‌ویژه خودراهبری، تأثیر محافظتی گسترده‌ای بر بهزیستی و سازگاری روانی اجتماعی دارد. آسیب‌پرهیزی و نوجویی به‌ترتیب مشکلات درونی‌سازی و بیرونی را به‌طور مثبت پیش‌بینی کردند.

ولی‌زاده، دارابی و عبدالهی (1401) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری جرم‌شناختی از پدیده فرار دختران از منزل (مورد مطالعه: شهر تهران)» به روش توصیفی به این نتیجه رسیدند که حوزه‌های اجتماعی، حوزه‌های روان‌شناختی و حوزه‌های جرم‌شناختی در پیشگیری از فرار دختران مؤثر است. از بین مؤلفه‌های پژوهش، حوزه‌های جرم‌شناختی با 0/61 بالاترین تأثیر را بر پیشگیری از فرار دختران دارد و بعد از آن، حوزه‌های روان‌شناختی با 0/32 و حوزه‌های اجتماعی با 0/29 بر روی پیشگیری از فرار دختران مؤثر هستند.

سلطانی و محمدی (1401) مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر برگرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که فقر فرهنگی، دوستان ناباب، فقر اقتصادی خانواده، اعتیاد والدین و ازهم‌گسیختگی و طلاق والدین با گرایش جوانان و زنان به مواد مخدر رابطه معناداری دارد.

عباسپور و همکاران (1401) در پژوهشی با عنوان «گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت» به این نتیجه رسیدند که بین سه‌گانه تاریک شخصیت با بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج رگرسیونی این پژوهش نشان داد که 35 درصد از واریانس گرایش به بزهکاری توسط صفات جامعه‌ستیزی (سایکوپات)، ماکیاولیسم و خودشیفتگی تبیین می‌شود.

1- Crescentini, Garzitto, Paschetto, Brambilla, & Fabbro

حیدریانی (1400) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی» انجام داد که نتایج آن به ارائه مدل مفهومی پیشگیری آسیب‌های اجتماعی شناسایی شده در شهر خرم‌آباد منجر شد. ابعاد این مدل عبارت بودند از: بیکاری، فقر اقتصادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، فقدان قانون و قانون‌گریزی، اعتیاد، ناهنجاری‌های جنسی، حاشیه‌نشینی، بحران هویتی، فقر فرهنگی، طلاق، کودکان کار، نابرابری‌های اجتماعی، سرقت و بزهکاری نوجوانان و طایفه‌گرایی. در این میان، سه مؤلفه «بیکاری، حاشیه‌نشینی و طلاق» به دلیل بار عاملی ضعیف از مدل حذف شدند. اولویت این آسیب‌ها به ترتیب برابر بود با: بیکاری، ناهنجاری جنسی، فقدان قانون و قانون‌گریزی، نابرابری اجتماعی، بحران هویتی، طایفه‌گرایی، سرقت، بی‌تفاوتی اجتماعی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و بزهکاری. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که از بین همه عوامل، اعتیاد با بار عاملی 89 درصد قوی‌ترین آسیب اجتماعی و بزهکاری با بار عاملی 23 درصد ضعیف‌ترین آسیب اجتماعی در شهرستان خرم‌آباد است.

دسترنج (1399) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش خانواده بر رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان در شهرستان بستک در سال 1398» انجام داد و به این نتیجه رسید که متغیرهای نگرش دینی، نظارت والدین، تعلقات و تعهدات خانوادگی، تعارضات والدین و گسست نسلی با رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان بستک رابطه معنادار دارند. همچنین متغیر گسست نسلی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتار بزهکارانه است.

مظفری، باقریان، زاده محمدی و حیدری (1399) در مطالعه‌ای با عنوان «چیستی و چگونگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان درگیر رفتارهای پرخطر: یک مطالعه پدیدارشناسانه» چرایی رفتارهای پرخطر نوجوانان را در دو مضمون اصلی (آسیب‌رسانی و هنجارشکنی) و پنج مضمون فرعی (آسیب فردی، آسیب خانوادگی، آسیب اجتماعی، هنجارهای قانونی و ارزش‌های دینی) دسته‌بندی کردند. در بخش زمینه‌های رفتارهای پرخطر، سه مضمون اصلی (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی) و دوازده مضمون فرعی (هیجان‌خواهی، کنجکاوی، لذت‌جویی، شجاعت، آشفتگی خانوادگی، نبود یکی از والدین، سابقه رفتار

پرخطر در خانواده، غفلت والدین، نقش دوستان، نقص انگیزه، محدودیت شادی محیط و نفوذ رسانه‌ها) شناسایی شد.

مظفری، روشن‌قیاس و بلباسی (1398) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین» به این نتیجه رسیدند که ارتباط بسیار قوی بین بی‌سازمانی اجتماعی و مدیریت ناهنجاری و بی‌نظمی اجتماعی با بزهکاری وجود دارد. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که تعامل با همسالان بزهکار و یافتن همدست، نگرش مساعد و شبکه و نحوه روابط بین افراد در سطح بالا در بزهکاران نوجوان وجود دارد.

عبداللهی، بیرانوند و یاراحمدی (1397) پژوهشی با عنوان «پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که اقدامات پلیس ویژه اطفال صرفاً جنبه جلوگیری از وقوع جرم ندارد، بلکه با ایجاد بستر روان‌شناسی - تربیتی؛ همکاری مناسب با والدین کودکان و مدیران مدارس و تعامل با مددکاران اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد منجر به اقدامات پیشگیرانه اجتماعی از بزهکاری اطفال نیز خواهد شد.

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان بر این نکته تأکید کرد که بیشتر مطالعات انجام‌شده بر ابعاد شخصیتی و رفتاری علل به‌وجود آمدن بزهکاری پرداخته‌اند. برخی از پژوهش‌ها به دیگر عوامل بزهکاری از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز پرداخته‌اند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که در به‌وجود آمدن بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی در جوانان، عوامل درونی (شخصیتی و ژنتیکی) و بیرونی (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) مؤثر هستند. در این پژوهش به بررسی متغیرهای روان‌شناختی پرداخته می‌شود که در به‌وجود آمدن بزهکاری مؤثر هستند؛ متغیرهای روان‌شناختی که در مطالعات ذکرشده به آن پرداخته نشده است.

نظریهٔ منازعه

نظریه‌های منازعه درحالی‌که از برخی جهات شبیه نظریهٔ برچسب‌زنی است، بر سرشت سیاسی جرم متمرکز شده است و ایجاد و به‌کارگیری حقوق جزا را مورد آزمون قرار می‌دهد. شاید بدان خاطر که نظریهٔ برچسب‌زنی از جهت‌گیری کمتری برخوردار بود، برای جرم‌شناسان محافظه‌کار نیز قابل قبول است. نظریه‌های منازعه در داشتن مفروضه‌ای بنیادین مشترک‌اند: جوامع بیشتر به‌وسیلهٔ منازعه شکل گرفته‌اند تا به‌وسیلهٔ اجماع. این فرضیه، ملاحظه انواع مختلفی از نظریه‌های منازعه را بر روی یک بردار امکان‌پذیر می‌سازد. در یک‌سوی این بردار، نسخه‌های کثرت‌گرا، چنین پیشنهاد می‌کنند که جامعه مرکب از هزاران گروه است که از نظر اندازه متفاوت‌اند و اغلب موقت می‌باشند و همگی برای رسیدن به منافع خویش در همهٔ مسائل به مبارزه با یکدیگر می‌پردازند. در سوی دیگر بردار، نسخه‌های منازعه طبقاتی چنین استدلال می‌کنند که دو طبقه در جامعه حاضر هستند که هر دو برای تسلط بر جامعه تلاش می‌کنند (صدیق سروستانی، 1393، ص 89).

نظریهٔ گزینش عقلانی

نظریهٔ گزینش عقلانی نوعی بازگشت به مکتب کلاسیک قدیم است، زیرا تمام ساختار قانونی دیدگاه کلاسیک بر پایهٔ مفهوم انسان عقلانی و مسئولیت اعمال فردی بنا شده است. در چند سال گذشته، این دیدگاه که بزهکاران خود قانون‌شکنی را برمی‌گزینند به‌عنوان رهیافتی نظری درزمینهٔ بررسی و مهار بزهکاری اهمیت یافته است. بر اساس این دیدگاه، افراد تنها به‌سوی فعالیت تبهکارانه رانده نمی‌شوند، بلکه فعالانه انجام این اعمال را انتخاب می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از اعمال تبهکارانه مخصوصاً درزمینهٔ جرائم خرد مانند سرقت ساده، تصمیماتی موقتی هستند؛ مثلاً شخصی که می‌بیند در خانه‌ای باز است و کسی هم در خانه نیست از فرصت استفاده می‌کند. در حقیقت، تعداد کمی از افراد، مجرم حرفه‌ای هستند؛ به‌همین دلیل، این نظریه‌پردازان معتقدند برای پیشگیری از جرم یا بازدارندگی، باید رنج حاصل از مجازات بیشتر از منافع حاصل از رفتار غیرقانونی باشد؛ بنابراین، اگر جوانان

جرم را انتخاب می‌کنند، در آن صورت رفتارشان را می‌توان با تهدید به مجازات تحت کنترل در آورد، مجازات‌هایی که آن‌ها را چنان خواهد ترساند که رفتارهای متعارف را به‌جای رفتارهای مجرمانه برگزینند (معظمی، 1390، ص 47).

نظریه بی‌هنجاری

این نظریه که ریشه در نظریات امیل دورکیم^۱، جامعه‌شناس فرانسوی دارد، به عوامل اصلی تضعیف معیارها و هنجارهای اجتماعی پرداخته و چنین مطرح می‌شود که سستی ارزش‌ها و هنجارها اجتماعی - فرهنگی موجب روی آوردن افراد به بزهکاری می‌شود. تحولات سریع صنعتی اقتصادی و به‌تبع آن تغییرات سریع و گسترده اجتماعی مانند شهرنشینی، نوسازی، تضعیف باورها، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی، مذهبی، ملی و موروثی، متزلزل شدن ساختارهای سنتی خانواده، همه موجب تغییر در هویت افراد شده و باعث می‌شوند تا رفتار سنتی آنان تغییر نماید. جالب توجه اینکه پیشرفت و گسترش شاخص‌های توسعه که خود گواهی بر تغییر جوامع سنتی هستند، رابطه مبتنی بر میزان شیوع بزهکاری دارند؛ مثلاً به‌نظر می‌رسد در شهرها میزان بزهکاری بیش از روستاهاست (جاهد، 1386، ص 69).

ابعاد سرشت و منش

از دیدگاه ساختاری شخصیت، از مزاج / سرشت^۲، منش^۳ و روان^۴ تشکیل شده است. به عبارت کلی، «مزاج» شامل هیجانات پایه، «منش» شامل جنبه‌ها و مفاهیم عقلانی درباره خود و روابط بین‌فردی و «روان» شامل خودآگاهی و هوش سیال است. خودآگاهی و هوش سیال بر تکامل شخصیت مؤثرند و در اصل ارزیابی‌هایی که صرفاً مزاج و منش را می‌سنجند، درک ناقصی از رشد شخصیت را به‌دست می‌دهند. عملکردهای پایه‌ای شخصیت عبارت‌اند از:

- 1- Émile Durkheim
- 2- temperament
- 3- character
- 4- psyche

احساس، تفکر، ادراک و به هم آمیختن همه این‌ها برای رفتاری هدفدار (شارگل، سادوک و سادوک^۱، 2009، ص 331).

مزاج / سرشت

مزاج به ترجیح‌ها و تمایلات بدنی اشاره دارد که پاسخ‌های شرطی‌شده رفتاری مرتبط با محرک‌های فیزیکی واردشده را تعدیل می‌کنند. شرطی‌سازی رویه‌ای (که همان یادگیری رویه‌ای^۲ است) آن دسته از حس‌های پیش‌معنایی را درگیر می‌سازد که مستقل از بازشناسی آگاهانه و هوشیارانه، مشاهده توصیفی، بازتاب‌ها و استدلالات - باعث برانگیخته شدن هیجانات پایه‌ای (مثل ترس و خشم) می‌شود. کارهای پیش‌تازانه‌ای که الکساندر توماس^۳ و استلا چس^۴ انجام دادند، مزاج را به‌عنوان یک جزء شیوه‌مند رفتاری (چگونگی) مفهوم‌پردازی کرد که باید از انگیزه‌مندی رفتار (چرایی) و محتوای آن (چیستی) افتراق داده شود. به‌هرحال، مفاهیم مدرن مزاج بر جنبه‌های هیجانی و انگیزش و تطابق آن تأکید دارند و اختصاصاً چهار صفت عمده مزاج (آسیب-پرهیزی، نوجویی، وابستگی به پاداش و پشتکار) شناسایی شده است (رتیو، دوئل، کوان، استانگر و هازدیارک^۵، 2006، ص 933). قابل‌ذکر است که با نگاهی واپس‌نگرانه می‌توان این مدل چهار عاملی مزاج را نوعی تعبیر مدرن از چهار مزاج باستانی دانست: ملانکولیک یا سودایی‌بودن (آسیب‌پرهیزی)، صفرای‌بودن (نوجویی)، خونی یا دموی‌بودن (وابستگی به پاداش) و بلغمی-بودن (پشتکار). به‌هرحال، اکنون مشخص شده است که این چهار نوع مزاج از نظر ژنتیکی ابعادی مستقل دارند طوری که این استقلال نه در یک قالب‌بندی افتراقی و دوسویه بلکه در تمام ترکیب‌بند‌های عامل بروز می‌کنند (تیواری، رم و سریواستاوا^۶، 2014، ص 3).

1- Sarkhel, Sadock, & Sadock's

2- procedural learning

3- Alexander Thomas

4- Stella Chess

5- Rettew, Doyle, Kwan, Stanger & Hudziak

6- Tiwari, Ram & Srivastava

صفات مزاجی (آسیب‌پرهیزی، نوجویی، وابستگی به پاداش و پشتکار) به‌عنوان تفاوت‌هایی ارثی تعریف شده‌اند که زمینه‌ساز پاسخ‌های خودکار فرد به خطر (آسیب‌پرهیزی)، تازگی (نوجویی)، مقبولیت اجتماعی (وابستگی به پاداش) و پاداش متناوب (پشتکار) هستند. این چهار صفت مزاجی با چهار هیجان پایه یعنی ترس (آسیب‌پرهیزی) خشم (تنوع‌طلبی یا نوجویی)، دل‌بستگی (وابستگی به پاداش) و جاه‌طلبی/سماجت (پشتکار) به‌طور تنگاتنگی در ارتباط هستند. تفاوت‌های فردی در مزاج و هیجانات پایه باعث تعدیل در فرایند اطلاعات حسی شده و مشخصه‌های یادگیری اولیه را شکل می‌دهند. مصداق اختصاصی این امر شکل‌گیری شرطی‌سازی‌های تداعی مدار پاسخ‌های رفتاری ناخودآگاه است. مزاج به‌عنوان یک تمایل ارثی در هیجان‌پذیری و یادگیری، مفهوم‌سازی می‌شود که زمینه‌ساز اکتساب عادات و صفات خودکار و رفتاری هیجان‌مدار است که از اوایل زندگی قابل مشاهده است و در تمام طول عمر فرد به‌نسبت ثابت می‌مانند (سادوک، سادوک و روئیز¹، 2020، ص 236).

هر یک از این چهار بُعد عمده که توزیع نرمالی دارند، صفاتی کمی و به‌طور متوسط ارثی هستند که از اوایل کودکی قابل مشاهده بوده و در طول زمان ثبات دارند. این ابعاد می‌توانند تا حدی رفتار دوره نوجوانی و بلوغ را پیشگویی کنند. این چهار بُعد از نظر ژنتیکی، هوموزن بوده و به‌طور مستقل از هم به ارث می‌رسند. این موضوع در یک مطالعه وسیع و مستقل در ایالات متحده آمریکا، استرالیا و ژاپن بر روی دوقلوها نشان داده شده است. تفاوت‌های مزاجی در ابتدا ثابت نیستند ولی در سال دوم و سوم زندگی تمایل به تثبیت پیدا می‌کنند. در مطالعه وسیعی بر روی کودکان سوئدی، سنجش این چهار صفت مزاجی در سال دهم و یازدهم زندگی به نحو متوسطی پیش‌بینی‌کننده صفات شخصیتی در 15-18-27 سالگی زندگی بوده است. بارها نشان داده شده است که این چهار بُعد مزاجی جهان‌شمول بوده و در فرهنگ‌های مختلف، گروه‌های نژادی متفاوت، نظام‌های سیاسی گوناگون و در هر قاره به‌شکل یکسانی وجود

دارند. به‌طور خلاصه این جنبه از شخصیت، مزاج نامیده می‌شود، زیرا اثری است؛ از اوان زندگی تظاهر می‌کند؛ از نظر رشد و تکامل دارای ثبات است و همچنین در فرهنگ‌های مختلف به‌طور یکسان وجود دارد. صفات مزاجی همانند هوش کریستالی شده (متبلور) هستند چراکه با افزایش سن و یا بین گروه‌های هم تولد، آن‌چنان‌که در هوش سیال و یا صفات منشی دیده می‌شود، تغییرات سریعی را نشان نمی‌دهند. باید توجه کرد که هر مقدار نمایی از این ابعاد از نظر تطابق سودمندی یا علم سودمندی خاص خود را دارد؛ بنابراین، نمره یا امتیاز بالا و پایین لزوماً به معنای تطابق بهتر نیست. صفات ترکیبی (وجوه) هر یک از چهار بُعد مزاج، شاخصه‌های یادگیری خاص خود را داشته و نسبت به سایر اجزای مزاج ارتباط قوی‌تری با یکدیگر دارند. آن‌ها از منشأ هم‌تغییری مشترکی برخوردارند که قوی، ثابت و بدون ارتباط با متغیرهای محیطی و تجارب گذشته فرد است. بر طبق مطالعات خانوادگی و مطالعه بر روی دوقلوها، هر یک از چهار بُعد مزاج، تعیین‌کننده‌های ژنتیکی منحصر به فرد خود را داشته و نیز بر اساس مطالعات مرتبط با ژنتیک، شاخصه‌های D.N.A اختصاصی خود را دارند. چهار بُعد مزاج انسان، با موارد مشاهده‌شده در سایر پستانداران کاملاً مرتبط است. سطوح چندگانه توانایی‌های ژنتیک حیوانات برای یادگیری، از بی‌مهرگان تا انسان نشان می‌دهد که یادگیری، فرایندهایی با اجزای چندگانه دارد که به‌صورت سلسله‌مراتب سازماندهی شده و به‌طور گسترده‌ای تکامل می‌یابند (کلونینجر و شوراکیک¹، 2005، ص 125).

روش

این تحقیق بر حسب هدف، کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. در پژوهش حاضر، ابعاد سرشت و منش، متغیر پیش‌بین و بزهاکاری به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده‌اند. جامعه آماری را همه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی 401-1400 تشکیل می‌دادند ($n=42146$). برای انتخاب نمونه، از شیوه نمونه‌گیری

خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین‌صورت که پس از هماهنگی با آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد و دریافت مجوزهای لازم، در ابتدا شهر خرم‌آباد به پنج جهت جغرافیایی (مرکز - شمال - جنوب - شرق - غرب) تقسیم شد، سپس از هر جهت جغرافیایی به‌صورت تصادفی ساده، دو دبیرستان پسرانه در مقطع متوسطه انتخاب شدند (جمعاً 10 دبیرستان)، و از هر دبیرستان نیز دو کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند ($10 \times 2 = 20$) که مجموعاً 20 کلاس انتخاب شد؛ از هر کلاس نیز 20 نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در مجموع با توجه به جدول مورگان و مورجسی بر حسب جامعه معلوم برای $N=100000$ حجم نمونه باید 400 نفر باشد؛ لذا در این پژوهش با توجه به جدول مورگان و مورجسی 384 دانش‌آموزان وارد مطالعه شدند. در تحقیقات همبستگی حداقل نمونه بایستی 30 تا 50 نفر باشد (دلاور، 1400)، اما در این تحقیق، به‌سبب افزایش اعتبار بیرونی 400 نفر به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. همچنین با به‌کارگیری ملاک‌های ورود و خروج زیر، معیار همگونی آزمودنی‌ها رعایت گردید: الف) ملاک‌های ورود مشتمل بر دانش‌آموز مقطع متوسطه، داشتن سن بین 14 تا 18 سال، جنسیت پسر و نداشتن سابقه مشکلات قضایی؛ ب) ملاک‌های خروج مشتمل بر دادن پاسخ‌های متوالی مشابه به سؤالات پرسش‌نامه‌ها. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه سعادت و خدایاری (1391) و پرسش‌نامه سرشت و منش (کلونینجر و همکاران، 1994) استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

میانگین (و انحراف استاندارد) سنی نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش 16/07 (و 3/21) با حداقل سن 14 و حداکثر سن 18 سال بود.

یافته‌های توصیفی

جدول 1. میانگین، انحراف استاندارد و پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات برای متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	چولگی	کشیدگی
نوجویی	12/56	4/18	-0/125	-0/053
آسیب‌پرهیزی	11/28	3/45	0/218	-0/198
پاداش‌وابستگی	9/46	2/38	0/256	0/119
پشتکار	2/99	1/18	-0/024	0/257
خودراهبری	9/17	3/36	-0/156	-0/108
همکاری	12/24	4/25	-0/296	-0/199
خودفراری	8/04	4/36	-0/390	-0/044
نگرش مثبت به بزهکاری	20/36	4/74	-0/151	-0/225
نگرش منفی به بزهکاری	29/37	5/76	0/102	0/288

همان‌طور که در جدول 1 مشاهده می‌شود، میانگین (و انحراف استاندارد) مؤلفه‌های سرشت و منش و نگرش مثبت و منفی به بزهکاری آمده است.

یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های رگرسیون چندمتغیری، نرمال بودن داده‌ها است. انحراف از این پیش‌فرض با افزایش و یا کاهش مقادیر χ^2 دو همراه است (کلاین¹، 2016، ص 114). بررسی آماره‌های چولگی² و کشیدگی³ یکی از ملاک‌های متداول برای تعیین نرمال بودن داده‌ها می‌باشد. به باور کلاین (2016، ص 112)، در صورتی که قدرمطلق ضریب چولگی کمتر از 3 و ضریب کشیدگی کمتر از 10 باشد، بیانگر نرمال بودن داده‌ها است (جدول 1). مفروضه خطی بین متغیر سرشت و منش با بزهکاری بر اساس نمودار پراکندگی به‌درستی رعایت شده است. برای بررسی نبود هم‌خطی چندگانه از آماره تحمل⁴ و عامل افزایش واریانس⁵ (VIF) استفاده شود. مقادیر آماره تحمل برای همه متغیرهای پیش‌بین پژوهش از 0/1 بزرگ‌تر و مقادیر آماره عامل افزایش واریانس نیز برای همه آن‌ها از 10 کوچک‌تر است؛ بنابراین، مطابق با معیارهای

- 1- Kelin
- 2- skewness
- 3- kortosis
- 4- Tolerance
- 5- variance inflation factor (VIF)

دیدگاه کلاین (2010) در این پژوهش هم‌خطی چندگانه مشاهده نشد. آماره دوربین - واتسون که برای بررسی وجود خود همبستگی بین باقی‌مانده‌ها در تحلیل رگرسیون استفاده می‌شود. نتایج نشان داد که مقدار این آماره بین 1/98 بود که مفروضه استقلال خطای باقی‌مانده به‌درستی رعایت شده است. داده‌های پرت در کرانه بالا متغیر سرشت و منش برای آزمودنی 71، 98، 105 و 231 و کرانه پایین متغیر بزهکاری برای آزمودنی 141، 155، 202، 259، 289، 300 قرار داشتند؛ که درنهایت، از تحلیل داده‌ها کنار گذاشته شدند و تحلیل نهایی بر روی 390 نفر انجام شد.

جدول 2. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	1	2	3	4	5	6	7	8	9
نوجویی	1								
آسیب- پرهیزی	-0/159	1							
پاداش وابستگی	0/123	-0/236	1						
پشتکار	0/218	-0/189	0/234	1					
خود راهبری	0/354	-0/192	0/179	0/241	1				
همکاری	-0/232	0/202	0/214	*0/145	*0/148	1			
خود فراروی	-0/341	-0/341	0/241	0/254	0/257	0/236	1		
نگرش مثبت	0/365	0/197	-0/236	*-0/189	-0/178	-0/197	-0/236	1	
نگرش منفی	-0/341	-0/202	0/203	0/212	0/213	0/188	0/209	-0/236	1

همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، ارتباط بین نوجویی و آسیب‌پرهیزی با نگرش مثبت به بزهکاری مثبت و معنی‌داری است ($P \leq 0/001$). بین نوجویی و آسیب‌پرهیزی با نگرش منفی به بزهکاری رابطه منفی و معنی‌داری برقرار است ($P \leq 0/001$). بین پاداش وابستگی، پشتکار، خودراهبری، همکاری و خودفراروی با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه منفی و

معنی‌داری وجود دارد ($P \leq 0/001$). همچنین بین پاداش وابستگی، پشتکار، خودراهبری، همکاری و خودفراروی با نگرش منفی به بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P \leq 0/001$).

جدول 3 خلاصه نتایج ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای نگرش مثبت به بزهکاری از طریق ابعاد

سرشت و منش

متغیر پیش‌بین	B	E.S	β	T	Sig	R	R^2
نوجویی	1/013	0/284	0/297	5/563	$P \leq 0/001$	0/345	0/119
آسیب‌پرهیزی	1/141	0/255	0/214	4/064	$P \leq 0/001$	0/389	0/151
خودفراروی	-1/218	0/361	-0/209	-4/713	$P \leq 0/001$	0/401	0/160

برای تعیین تأثیر هر یک از مؤلفه‌های، ابعاد سرشت و منش به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و نگرش مثبت به بزهکاری به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش گام‌به‌گام تحلیل شدند. نتایج جدول 3 نشان می‌دهد که وقتی متغیر بلوک اول (نوجویی) وارد مدل شدند، مدل کلی 12 درصد واریانس متغیر نگرش مثبت به بزهکاری را تبیین کرد، در گام‌های بعدی با اضافه شدن هر یک از متغیرهای پیش‌بین میزان واریانس تبیینی به 16 درصد رسید. با توجه به مقادیر بتا نوجویی ($\beta=0/29$)، آسیب‌پرهیزی با ضریب بتا ($\beta=0/21$) و خودفراروی با ضریب بتا ($\beta=-0/20$) به‌عنوان قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی نگرش مثبت به بزهکاری نوجوانان می‌باشند.

جدول 4 خلاصه نتایج ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای نگرش منفی به بزهکاری از طریق ابعاد

سرشت و منش

متغیر پیش‌بین	B	E.S	β	T	Sig	R	R^2
خودراهبردی	1/087	0/294	0/301	6/417	$P \leq 0/001$	0/397	0/157
خودفراروی	0/987	0/301	0/289	6/716	$P \leq 0/001$	0/458	0/209
همکاری	1/236	0/288	0/291	5/639	$P \leq 0/001$	0/499	0/249

برای تعیین تأثیر هر یک از مؤلفه‌های، ابعاد سرشت و منش به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و نگرش منفی به بزهکاری به‌عنوان متغیر ملاک، با تحلیل رگرسیون چند متغیری به روش گام‌به‌گام تحلیل شدند. نتایج جدول 4 نشان می‌دهد که وقتی متغیر بلوک اول (خودراهبری) وارد مدل شدند، مدل کلی

15 درصد واریانس متغیر نگرش منفی به بزهکاری را تبیین کرد، در گام‌های بعدی با اضافه شدن هر یک از متغیرهای پیش‌بین میزان واریانس تبیینی به 25 درصد رسید. با توجه به مقادیر بتا خودراهبری ($\beta=0/294$)، خودفراروی با ضریب بتا ($\beta=0/289$) و همکاری با ضریب بتا ($\beta=0/291$) به‌عنوان قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی نگرش منفی به بزهکاری نوجوانان می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی ابعاد سرشت و منش پیش‌بینی‌کننده بزهکاری در کودکان و نوجوانان بود. نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه اول (به نظر می‌رسد از بین ابعاد سرشت نوجویی و آسیب‌پرهیزی با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد) را تأیید می‌کند. همچنین بین وابستگی به پاداش با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده نیز نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای نوجویی و آسیب‌پرهیزی با نگرش مثبت به بزهکاری وجود دارد؛ بدین‌صورت که با افزایش نوجویی و آسیب‌پرهیزی میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه نیز افزایش خواهد یافت. نتایج و یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج مطالعات نیکولا و همکاران (2020)، کنگ و گواگ (2019)، مارتینز - لوپز و همکاران (2019)، کریستینی و همکاران (2018) و مظفری و همکاران (1399) همخوانی دارد.

شواهد حاکی است که نوجوانان بزهکار نوجویی بالاتری دارند. نوجوانان بزهکار به علت آسیب‌پرهیزی و نوجویی بالا و پاداش وابستگی پایین ناپایدار بوده و در نتیجه آن‌ها معمولاً اضطراب و افسردگی بیشتری را تجربه می‌نمایند و مشکلات اجتماعی آن‌ها با احساسات منفی و ناپختگی در رفتار توأم است. می‌توان بیان کرد که بالا بودن آسیب‌پرهیزی که با ویژگی‌های همچون فرار و اجتناب از موقعیت‌های خطرزا، محتاط و منزوی مشخص می‌شود، به‌عنوان سدی در برابر علائم این اختلال عمل می‌کند. افراد دارای چنین علائمی دارای عزت‌نفس کاذب در مقابل موقعیت‌های خطرزا دارند و بدون توجه به پیامدهای

رفتاری و موقعیتی آسیب‌زا دست به عمل می‌زنند. پایین‌بودن ویژگی‌های آسیب‌پرهیزی همچون اعتمادبه‌نفس در مقابل بلا تکلیفی، منجر به تلاش‌های زیاد با حداقل ناراحتی شخص می‌شود و ضرر این حالت، عدم پاسخ‌دهی به خطر و خوش‌بینی غیرواقعی بوده و نتایج بالقوه پرخطر آن در موقعیت‌هایی است که احتمال خطر زیاد بوده و کاملاً در راستای افزایش بزهکاری است (مارتینز - لوپز و همکاران، 2019). در واقع نوجویی با فعال‌سازی رفتاری و پرهیز از آسیب با مهار رفتاری رابطه دارد؛ بنابراین، با افزایش ویژگی‌هایی که مبتنی بر ناتوانی شخص در مهار رفتاری هستند، استفاده وی از راهبردهای ناکارآمد تنظیم هیجانی بیشتر و در نتیجه احتمال رفتارهای بزهکارانه نیز بیشتر می‌شود. از سوی دیگر وابستگی به پاداش بیان‌کننده وابستگی گرم و اجتماعی، ابراز همدردی و حساسیت اجتماعی است و افرادی که در این صفت نمره بالا می‌گیرند با توجه به رشد همدلی شناختی و عاطفی در آن‌ها، توان درک موقعیت‌های آسیب‌زا را دارند و در تلاش هستند با توجه به سطح حساسیت و فداکاری به همراه حساسیت نسبت به روابط بین‌فردی از هرگونه رفتارهایی که منجر به آسیب به دیگران شوند، اجتناب نمایند.

نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه دوم (به نظر می‌رسد از بین ابعاد منش خودراهبری، خودفراروی و همکاری با نگرش مثبت به بزهکاری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد) را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده نیز نشان‌دهنده ارتباط منفی و معنی‌داری بین متغیرهای خودراهبری، خودفراروی و همکاری با نگرش مثبت به بزهکاری وجود دارد؛ بدین صورت که با افزایش خودراهبری، خودفراروی و همکاری میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه کاهش خواهد یافت. نتایج و یافته‌های حاصل از این فرضیه با نتایج مطالعات (کنگ و گواگ، 2019؛ مارتینز - لوپز و همکاران، 2019) مبنی بر ارتباط منفی ابعاد منش با رفتارهای بزهکارانه است.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت، سطوح پایین خودراهبری و همکاری در این افراد بر اساس رویکردهای عصب‌شناختی نشان‌دهنده مفهوم‌گریزی و بازداری پاسخ است که این مسئله، نوجوانان بزهکار را بیشتر در معرض خطر

مشکلات رفتاری قرار می‌دهد (نیکولا و همکاران، 2020). همچنین نوجوانان بزهکار، سطوح پایینی از خودراهبری و همکاری و سطوح بالایی از مشکلات رفتاری را در مقایسه با نوجوانان عادی نشان می‌دهند. در تبیین ارتباط خودراهبردی، خود فراروی و همکاری با بزهکاری می‌توان گفت که سطوح پایین خودفراروی در این افراد از جمله تمایل کم به آرمان‌گرایی، متانت و صبوری کم و تمایل به درگیری با محیط در این افراد به صورت ویژگی‌های مقابله‌ای در مقابل ارائه پاسخ عمل کرده و نشان‌دهنده مفهوم‌گریزی و بازداری پاسخ در آن‌ها می‌باشد. خودفراروی با ایمان مذهبی و متانت و صبوری غیرمشروط همراه بوده و به عنوان مانعی برای بازداری پاسخ در این افراد است (کلونینجر و شوراکیک، 2005). در مجموع می‌توان بیان کرد که احتمالاً نمرات پایین در ابعاد منش، سازگاری کم و عملکرد روانی اجتماعی پایین، شدت علائم اختلال این نوجوانان را تبیین می‌کند (کریستینی و همکاران، 2018). از سوی دیگر، افراد دارای صفت خودفراروی در مفهوم از خویشتن به عنوان بخش وحدت‌یافته‌ای از جهان و منابع پیرامون آن، ایمان مذهبی، متانت و صبوری غیرمشروط، تمرکز بر کارها و تحت تأثیر قرار گرفتن هنر و زیبایی دارای درجه نرمالی هستند. این افراد نه آنچنان تحت تأثیر روابط اجتماعی قرار گرفته و از مرزهای فردی خود فراتر می‌روند و به متافیزیک و مسائل زیبایی طبیعت و هنر در حد غیرمعمول اهمیت می‌دهند؛ لذا داشتن صفت شخصیت خودفراروی با وجود تعادل‌گرایی که در آن وجود دارد می‌تواند تعالی و رشد را به عنوان هدف غایی در نظر بگیرد تا رفتارهای مجرمانه و بزهکارانه.

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که نوجویی، آسیب‌پرهیزی، خودفراروی به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده نگرش مثبت به بزهکاری نوجوانان می‌باشند. این متغیرها، 16 درصد واریانس مربوط به بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. این نتیجه نشان می‌دهد که 74 درصد واریانس و عوامل باقی‌مانده توسط متغیرهای موثر دیگر بر بزهکاری (نظیر متغیرهای شخصیتی، شناختی و انگیزشی) تبیین می‌شود و بیشترین سهم متعلق به ابعاد سرشت و منش به‌ویژه نوجویی، آسیب‌پرهیزی، و خودفراروی است. همچنین با

توجه به نبود یافته‌های متناظر در پیشینه، از این یافته می‌توان استنباط کرد که ابعاد نوجویی، آسیب‌پرهیزی و خودفراوی تأثیرشان بر بزهکاری نوجوانان قابل‌ملاحظه بوده است؛ لذا برای روشن‌شدن این نکته لازم است که تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گیرد. احتمالاً این نتیجه را بتوان با مدل یکپارچه‌سازی هیجان (بلیسر، 2005) تبیین نمود. در این مدل، فرض بر این است که نابهنجاری‌های عصبی - زیستی در افراد نظیر بدکارکردی آمیگدال منجر به شکل‌گیری برخی نقایص شناختی - هیجانی مانند ضعف در حل مسائل، پردازش هیجانی پایین، تحریک‌پذیری هیجانی پایین و غیره و همچنین رشد ویژگی‌های شخصیتی خاص می‌شود که موجب مختل‌شدن جامعه‌پذیری بهنجار در افراد می‌شود. در نتیجه احتمال کمتری وجود دارد که شخص از رفتارهای جامعه‌پسند برای به‌دست‌آوردن خواسته‌هایش استفاده کند؛ به‌عبارت‌دیگر، افراد طوری پرورش می‌یابند که از رفتارهای ضداجتماعی به‌عنوان وسیله سودمندی برای به‌دست‌آوردن خواسته‌هایشان استفاده می‌کنند (کریستینی و همکاران، 2018).

پیشنهادهای کاربردی

مختص‌بودن نمونه به نوجوانان شهرستان خرم‌آباد، محدودبودن نمونه به نوجوانان پسر و بی‌توجهی به متغیرهایی نظیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی، روش پژوهش (توصیفی) باعث شد که نتوانیم بین متغیر ملاک بزهکاری و متغیر پیش‌بین ابعاد سرشت و منش رابطه علت و معلولی در نظر بگیریم؛ لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به این امر توجه شود، عدم همکاری بعضی از نوجوانان هم از محدودیت‌های پیش‌روی تحقیق بوده است. بررسی دختران، استفاده از نمونه بالینی (اختلال سلوک، مصرف‌کننده مواد و رفتارهای جنسی پرخطر) از پیشنهادهای این پژوهش است.

- با توجه به تأثیر ناهنجاری و بزهکاری همسالان بر یکدیگر، اولیاء و نوجوانان، پلیس در همکاری و روابط متقابل تدابیری بیندیشد و در برنامه‌های متفاوت، آنان را نسبت به تأثیرپذیری، بزهکاری و عواقب آن

آگاه کند؛ به نحوی که دانش‌آموزان راغب شوند داوطلبانه برای کاهش این امر در برنامه‌های طراحی شده پیشگام شوند.

- با تشکیل شورای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و جوانان با توجه به رویکرد رشدمدار می‌توان از بخش زیادی از جرائم پیشگیری کرد. همچنین تمامی سازمان‌ها، نهادها و بخش‌هایی که به نحوی با موضوع ارتباط دارند، ضمن تشکیل کمیته‌های تخصصی به‌صورت متمرکز و مستمر ضمن شفاف‌سازی، وظایف پیشگیری از بزهکاری را دنبال کنند.

- باید زمینه ارتکاب به جرم را ضعیف کرد و با دادن آگاهی از راه‌های مناسب، جوانان را از نتایج پایانی ارتکاب به جرم آگاه ساخت. پایه شعارها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ زیبای قدیم این سرزمین را احیا کرد.

سپاسگزاری

از همه دانش‌آموزان و مسئولین آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد که در اجرای پژوهش، نهایت همکاری را با پژوهشگر داشته‌اند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- جاهد، محمدعلی (1386). *جرم‌شناسی*. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- حیدریانی، لیلیا (1400). شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی با ارائه مدل مفهومی پیشگیری، *دو فصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، 5 (1)، 218-240. قابل بازیابی از:
<https://doi.org/10.30487/JCP.2021.281737.1253>
- دسترنج، منصور. (1399). بررسی نقش خانواده بر رفتار بزهکارانه نوجوانان و جوانان در شهرستان بستک در سال 1398. *نشریه پلیس زن*، 14(32)، 77-97. قابل بازیابی از:
http://ps.jrl.police.ir/article_94295.html
- دلاور، علی. (1400). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر ویرایش.
- سلطانی، بهاره و محمدی، فرشته. (1401). عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و زنان به اعتیاد و بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن در شهرستان روانسر. *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، 7(55)، 449-456. قابل بازیابی از:
<https://ijndibs.com/article-1-751-fa.html>
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (1393). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، چاپ اول. تهران: نشر نی.
- عباسپور، صبا؛ اعتمادی، زهره؛ تیرگری، عبدالحکیم و بگیان کوله مرزی، محمدجواد. (1401). گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان با توجه به صفات تاریک شخصیت. *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، 14(3)، 67-96. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_100329.html

- عبدالهی، سامان؛ بیرانوند، رضا و یاراحمدی، حسین. (1397). پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال. نشریه علمی انتظام اجتماعی، 10(1)، 195-220. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_88058.html
- مظفری، محمد مهدی؛ روشن قیاس، کلثوم و بلباسی، محرمعلی. (1398). بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین. نشریه علمی انتظام اجتماعی، 11(1)، 97-118. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_110657.html
- مظفری، نظیر؛ باقریان، فاطمه؛ زاده محمدی، علی و حیدری، محمود. (1399). شناسایی چیستی و چگونگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان درگیر رفتارهای پرخطر: یک مطالعه پدیدارشناسانه. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی، 14 (56)، 199-224. قابل بازیابی از:
<https://doi.org/10.29252/etiadjpajohi.14.56.199>
- معظمی، شهلا (1390). بزهکاری کودکان و نوجوانان. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دادگستر.
- ولی‌زاده، مریم؛ دارابی، شهرداد و عبدالهی، سامان. (1401). پیشگیری جرم‌شناختی از پدیده فرار دختران از منزل (مورد مطالعه: شهر تهران). نشریه علمی انتظام اجتماعی، 14(2)، 121-150. قابل بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_100303.html
- Cloninger C. R., Svrakic D. M. (1994) "Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model" in S. Strack and M. Lorr (Eds). New York: Springer Publishing Co.
- Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M. (2005). *Personality disorders*. Comprehensive textbook of psychiatry (Eight Edition, pp. 2063-2105). Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.
- Crescentini, C., Garzitto, M., Paschetto, A., Brambilla, P., & Fabbro, F. (2018). Temperament and character effects on late

- adolescents' well-being and emotional-behavioural difficulties. *Peer Journal*, 6, e4484. Retrieved from: <https://doi.org/10.7717/peerj.4484>.
- Crescentini, C., Garzitto, M., Paschetto, A., Brambilla, P., & Fabbro, F. (2018). Temperament and character effects on late adolescents' well-being and emotional-behavioural difficulties. *Peer Journal*, 6, e4484. Retrieved from: <https://doi.org/10.7717/peerj.4484>.
 - Jones, M. S., & Pierce, H. (2021). Early exposure to adverse childhood experiences and youth delinquent behavior in fragile families. *Youth & Society*, 53(5), 841-867.
 - Kang, N. R., & Kwack, Y. S. (2019). Temperament and Character Profiles Associated with Internalizing and Externalizing Problems in Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Psychiatry investigation*, 16(3), 206–212. Retrieved from: <https://doi.org/10.30773/pi.2019.01.10.1>.
 - Kang, N. R., & Kwack, Y. S. (2019). Temperament and Character Profiles Associated with Internalizing and Externalizing Problems in Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Psychiatry investigation*, 16(3), 206–212. Retrieved from: <https://doi.org/10.30773/pi.2019.01.10.1>.
 - Martínez-López, J., Medina-Mora, M. E., Robles-García, R., Madrigal, E., Juárez, F., Tovilla-Zarate, C. A., Reyes, C., Monroy, N., & Fresán, A. (2019). Psychopathic Disorder Subtypes Based on Temperament and Character Differences. *International journal of environmental research and public health*, 16(23), 4761. Retrieved from: <https://doi.org/10.3390/ijerph16234761>.
 - Martínez-López, J., Medina-Mora, M. E., Robles-García, R., Madrigal, E., Juárez, F., Tovilla-Zarate, C. A., Reyes, C., Monroy, N., & Fresán, A. (2019). Psychopathic Disorder Subtypes Based on Temperament and Character Differences. *International journal of environmental research and public health*, 16(23), 4761. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3390/ijerph16234761>

- Murray, A. L., Zhu, X., Mirman, J. H., Ribeaud, D., & Eisner, M. (2021). An evaluation of dual systems theories of adolescent delinquency in a normative longitudinal cohort study of youth. *Journal of youth and adolescence*, 50, 1293-1307.
- Nicola, M., Alsafi, Z., Sohrabi, C., Kerwan, A., Al-Jabir, A., Iosifidis, C., Agha, M., & Agha, R. (2020). The socio-economic implications of the coronavirus pandemic (COVID-19): A review. *International Journal of surgery (London, England)*, 78, 185–193. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.ijssu.2020.04.018>.
- Rettew, D. C., Doyle, A.C., Kwan, M., Stanger, C., and Hudziak, J . J (2006). Exploring the boundary between temperament and generalized anxiety disorder: A receiver operating characteristic analysis. *Journal Anxiety Disorder*, 20(7), 931–945. Retrieved from: doi: 10.1016/j.janxdis.2006.02.002.
- Sadock, B.J., Sadock, V.A. and Ruiz, P. (2020) *Kaplan and Sadock's Comprehensive Textbook of Psychiatry*. 11th Edition, Wolters Kluwer, Alphen aan den Rijn.
- Sarkhel, S., Sadock, B.J., and Sadock's, V. A. (2009). Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry, 10th edition. *Indian Journal of Psychiatry*, 51(4), 331.
- Tiwari, R.; Ram, D. & Srivastava, M. (2014). “Temperament and Character Profile in Obsessive Compulsive Disorder (OCD): A Pre and Post Intervention Analysis”. *International Journal of School and Cognitive Psychology*, 1(2), 1-9. Retrieved from:
DOI: 10.4172/2469-9837.1000106.